

لہستان: بحران روئینیسیم و جنبش توده‌ای (۱)

س - حسامی

لہستان بود صمن اینکه تولید کالای بدو مصرف (۳) بود آوری عادات سینا از آن لہستان را حنشی میکرد. این عوامل همراه با عدم اجرای برنامه‌ی ۵ ساله که همواره از اهداف خود بسیار دور بود و آغازی بر روند افزایش کسری موازنه پرداخت به شمار میرفت.

روند عوی از طرفی به وضع سال ۱۹۸۰ منجر شد که لہستان را با وام‌های کلان به غیر بخواه مساخته، از طرف دیگر بطور ادواری در سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ سرانجام در ۱۹۸۰ منجر به ایجاد جنبشهای وسیع توده‌ای شد که هر بار به دنبال افزایش قیمت و محتاج عمومی، ولی نه فقط به خاطر آن، به سر حرکت در می‌آمدند.

۳- سپس در شماره‌ی ۶۲ سندی با عنوان "پیش‌بسیوی دموکراسی سوسیالیستی" از یک گروه اپوزیسیون کمونیست (به اظهار خود گروه) انتشار دادیم که در آن به بررسی و تحلیل انتقادی مبارزات کارگران و روشنفکران پرداخته و سپس از رد سوسیالیستی بودن لہستان اصولی را که از خلال مبارزه برای آنها، یک جنبش کارگری واقعی "بوجود می‌آید یعنی اصولی که جنبش انقلابی کارگری همیشه بر آنها بنا شده است" و "در کوهن پاریس در ۱۸۷۱ مطرح شد" و "بایه فعالیت شوراهای کارگری در روسیه ۱۹۱۷ را تشکیل میداند" به سر شمرده شده بود.

پس از آن به تشریح خطوط اساسی مبارزات توده‌های پرداختیم و نشان دادیم که جنبش سال ۱۹۷۰ پس از ۴ سال سکون نسبی (از شورهای ۱۹۵۶ به بعد) نقطه عطفی بشمار میرفت. در سال ۱۹۷۶ با وجود سرکوب رژیم، کارگران روحیه‌ی مبارزاتی خود را از دست نداد و خصوصاً نسبت به آن تشدید شد. در این سال روشنفکران نیز بطور سازمان یافته وارد صحنه شدند. در ۱۹۸۰ نیز جنبش توده‌ای وسیعتر از هر بار آغاز و گسترش یافت. این بار دهقانان (که در ۱۹۷۶ بیطرف مانده بودند) نیز به آن پیوستند.

سپس گرایشات اپوزیسیون را بررسی کردیم. در این رابطه به اثر تخریبی کلیسا بر مبارزات کارگران و خطر آن در تحولات آتی اشاره کردیم. همچنین کمیته‌ی دفاع از کارگران "را که بعد ها تبدیل به کمیته‌ی دفاع از خود اجتهامی شد" و مصرفی کردیم که مهمترین جریان سیاسی متشکل از عناصر مختلف با گرایشات سوسیال دموکراتیک متضاد بود (این کمیته اخیراً خود را منحل کرد چون معتقد بود "همسنگی" قادر به ادامه‌ی اهداف آن است) و اشاره کردیم که:

"در حقیقت میتوان نتیجه گرفت که بعد از کمونیستی (از لحاظ ذهنی) در جنبش کارگری کمونی لہستان ضعیف است."

۴- علنی را که شوروی را از مداخله‌ی نظامی در لہستان باز میداشت برشمرده بودیم. اعتقاد بودیم که حمایت لہستان (برخلاف چکسلواکی ۱۹۶۸)، وضعیت و حمایت با اقتصاد لہستان ۲۴ میلیارد دلار وام

در روز ۲۲ آوریل بحران و معضای که از مدتها قبل انتظار میرفت در لہستان رخ داد: اعلام حکومت نظامی، حمله بلافاصله به مراکز اتحادیه‌ی کارگری همسنگی، دستگیری هزاران مبارز فعالین و فعالین سیاسی، سرکوب اعتصابها، اعتراضی که در مواردی منجر به تیراندازی و درگیری و قتل چندین نفر گردید، قطع تمام امکانات ارتباطی مثل تلن و تلکس و غیره چه در داخل کشور و چه با خارج، پناهنده شدن دهها لہستانی به کشورهای مختلف، بسته شدن تمام مدارس و حتی کودکانها (۱۰۰۰)

ما در گذشته، یکبار در شماره‌ی ۴۵، و یکبار نسیمز در سلسله مطالبی در شماره‌های ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵ بطور شروح اوضاع لہستان را بررسی کرده و ریشه‌های اقتصادی و سیاسی بحران حاضر را نشان دادیم. بطور خلاصه در سلسله مقالات مذکور:

۱- به روند استقرار دولت به اصطلاح سوسیالیستی در لہستان پرداختیم و نشان دادیم که بدلیل مختلف و از جمله تصفیه‌های حوین استالینی در حزب کمونیست لہستان در دهه‌ی ۱۹۳۰ که بالاخره منجر به انحلال کامل آن در ۱۹۳۸ شد، یک انقلاب سوسیالیستی هرگز در لہستان به وقوع نپیوست. این به طبقه کارگر لہستان (که فاقد هرگونه شکل بود) بلکه کمیته‌ی بنام "کمیته‌ی آزادی ملی لہستان" (که توسط استالین در حین جنگ طوحریزی و در سال ۱۹۴۴ مورد حمایت رسمی قرار گرفته بود) قدرت را با حاکمیت کامل ارتش شوروی و توسط آن در دست گرفت، و طبقه‌ی کارگر فاقد ارگانهای طبقاتی لہستان بخشی در تسخیر قدرت نداشت. سرپرست لہستان در حقیقت در پشت دره‌های سستی کنفرانس‌های متفقین تعیین شد (۲).

۲- سپس ریشه‌های اقتصادی بحران را بررسی کردیم. علل اصلی در این زمینه عبارت بودند از:

الف: در زمینه کشاورزی - طلب بودن بخش خصوصی و حتی آثار به سوی تعویب این امر در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰.
ب: در زمینه صنعتی - ادامه‌ی سیاست غلط در طی دهه‌ی ۱۹۷۰. اتحاد اساسی این سیاست بخصوص در دهه‌ی مذکور با در نظر گرفتن خصوصیات اقتصادی کشورهای اروپای شرقی مسئله شوروی (۳) به این شرح بودند: سرمایه‌گذاران با کمک وام از کشورهای و بانکهای عربی و وارد کردن وسایل تولیدی مدور در بخش‌های بزرگی از اقتصاد، تولید زیاد، صادرات به عرب، و بازار پرداخت وام و رشد اقتصادی، دریافت وام و همچنین این روند که در این سالها دنبال شد و جنبه‌ی غالب اقتصاد را تشکیل میداد در حقیقت لہستان را وابسته به سواست باار عرب میکرد. به این ترتیب که با شکوفایی اقتصادی عرب در ۱۹۷۱-۷۲، اقتصاد لہستان نیز وارد دوران شکوفایی شد. ولی بحران رکودی - سورمی پس از آن در عرب به معنای بالا، پس قیمت مواد اولیه، نفت و غیره برای

خارجی (در آن زمان) ، وضعیت بدکشاوری شوروی و مکان تحریم غله توسط غرب ، وتوده گبر بودن بیش از حد جنبش د ر لهستان و گفتیم :

"عالمی که میتواند موجب چنین مداخله‌ای شود دارای اهمیتی بیش از عوامل مذکور است. امکان ایجاد و گسترش جنبش کارگری با خواسته‌های مشابه در چکسلواکی ، مجارستان و ... و آلمان شرقی و در نتیجه احتمال خارج شدن بخش مهمی از رویای شرقی از حیطه‌ی کنترل شوروی . جنبه‌ی دیگر این مسئله توانایی دولت لهستان در تحمل مشکلات و از سر گذراندن بحران است ."

و بالاخره به اوضاع طبقه کارگر لهستان و مسیر آینده‌ی آن نگرسیم و گفتیم که "متأسفانه گرایش موجود در سطح رهبری اتحادیه‌ی همبستگی دیدگاه‌های قابل توجهی ارائه نمیدهند" و از بدیل رفرمیستی ارائه شده توسط کورون (از رهبران کمیته‌ی دفاع از خود اجتماعی) که از مشاوران "همبستگی" (بشار میرو) که خواهان دموکراسی پارلمانی بود صریحاً انتقاد کردیم .



در بیش از ده ماهی که از انتشار آخرین مقاله (رهایی ۶۵ ، هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹) میگذرد ، اوضاع لهستان روز بسریق در جهت وخیمتر شدن پیش رفته است . میزان وامهای خارجی لهستان به ۲۸/۵ میلیارد دلار رسیده است که از این میان فقط ۲ میلیارد دلار آن به کشورهای بلوک شرق است (خبرگزاری فرانسه بنقل از دولت لهستان - کمیان انگلیسی ۲۲ دی) اوضاع دولت بقدری خراب است که از بهار قبل قادر به پرداخت ۲/۳ میلیارد دلار اصل و فرع وام به بانکهای خصوصی کشورهای غربی نبوده است . این بانکها از هراس ورشکست شدن لهستان (۴) با بهتمویق انداختن اصل وامها موافقت کرده ولی خواهان پرداخت بهره شدند . بنابراین توافق در ۲۹ دسامبر (۸ دی) به امضاء رسید ولی لهستان تقاضای ۳۵۰ میلیون دلار وام کرد تا بتواند بهره‌ی وامهای خود را بپردازد ! (نیوزویک ۴ ژانویه) و این در شرایطی است که گفته‌ی نیوزویک کشورهای اروپای شرقی (و شوروی) در حدود ۸۰ میلیارد دلار به غرب بدهی دارند . این شرایط همچنین ادامه داشتن اعتصابات در سراسر کشور منجر به این شد که کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان استانیسلا وکانیا را که در سپتامبر ۱۹۸۰ دبیر اول حزب شد و سپس در اوت ۱۹۸۱ دویارها بین سمت انتخاب شد بوده در

اکتبر ۱۹۸۱ از کار برکنار کرده و برای اولین بار یک نظامی یعنی ژنرال یارولسکی را در این مقام قرار دهد . البته وی چند ماه پیش از آن به نخست وزیر منصوب شده بود . انتصاب وی از آن نظر حائز اهمیت بود که وی علاوه بر فرماندهی ارتش که گفته میشود از حزب کمونیست بیشتر مورد پذیرش مردم است ، در سال ۱۹۷۶ نیز به خاطر بیان اینکه "سربازان لهستانی به روی کارگران آتش نخواهند گشود" مخضوب واقع شد و بدین خاطر از حمایت بیشتری میتوانست برخوردار شود و از طرف دیگر در سرکوب مردم منقش سهیل تری را بعهده گیرد .

فاصله‌ی چندین ماهه صدور بود پیرا ولی وی با انتقادات وی از اعتصاب ، سعی در محدود کردن آنها و سپس مذاکره با لئخ و اوسا رئیس اتحادیه همبستگی و گاردینال گمب رهبر کلیسای کاتولیک لهستان در باره‌ی پیشنهادها و پیرای ایجاد "شورای آشتی ملی" (نیوزویک ۶ اکتبر ۸۱) ، برای همکاری در جهت بهبود اقتصاد همراه بود . این دوران بالاخره منتهی به برقراری حکومت نظامی در ۲۲ آذر شد که مسلماً از مدتی قبل برنامه ریزی شده بود . (۵)

اوضاع بین المللی

آنچه بسیاری را از این نظرمتمصب ساخت ، شروع سرکوب جنبش تودمائی توسط خود دولت لهستان بود . مسلماً با انتظارات متداول و تبلیغات روزمره‌ی رسانه‌های همگانی غربی امکان مداخله‌ی شوروی بیشتر متصور بود . ولی به نظر ما هنوز عواملی که در فوق (به نقل از رهائی شماره‌ی ۶۵) شمرده‌یم به قوت خود باقیست . امکان خارج شدن لهستان از حیطه‌ی قدرت شوروی نیز جدی نشده بود که مداخله‌ی نظامی شوروی را محتلمتر سازد . از عوامل بازدارنده‌ی دیگر شرایط حاضر بخصوص با تبلیغات شده‌ی دولت ریگان در چند ماه اخیر ، احتمال حمله‌ی نظامی آمریکا به کوبا و نیکارا کوئیمود ، هریک از رویدادهای فوق ، بهر صورت میتوانستند منجر به ایجاد بحرانی بسیار شدید تر از بحران کنونی در سطح بین المللی شوند .

جدا از مداخله یا عدم مداخله‌ی شوروی ، یکی از تحولاتی که بدنبال و با استفاده از شروع سرکوب د ر لهستان بوقوع پیوست ، و در حقیقت رویدادهای لهستان آنرا بشدت تسهیل کرد ، الحاق بلندهای جولان توسط اسرائیل بود . به قول معروف آش بقدری شور بود که خان هم فهمید و مجله‌ی تایم مورخ ۲۸ دسامبر کاریکاتوری از کروی زمین را به چاپ رسانیده است . در یک طرف آن چند نفره نقشه‌ی "لهستان" نگاه میکنند ، در حالیکه در زیر کوه ، بگین در شمال یک گرسه ارتفاعات جولان را گاز زده و بلعیده است . اسرائیل با "سو" استفاده از اوضاع لهستان و سرگرم بودن افکار بین المللی " قانون الحاق جولان " را به تصویب پارلمان رسانید و به تجاوز خود به سرزمینهای اعراب بعد تازه‌ای بخشید . مسئله‌ی حکومت نظامی در لهستان بطرز قابل انتظاری موج اعتراض در کشورهای غربی و جهان

توضیح

مقالات بی امضا نشریه‌ی رهائی منعکس کننده‌ی نظر عمومی سازمان وحدت کمونیستی است . سایر مقالات که با امضا منتشر میشوند با آنکه از جنبه‌ی کلی منطبق با نظرات سازمان هستند ، معهذا میتوانند در پارامای از جزئیات مطابق نظر همه‌ی اعضا آن نباشند .

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

سوم" را از جوانب مختلف دامن زد. از طرفی ریگان رئیس جمهور آمریکا که چندی قبل به شیوای فاشیستی کارمندان برجهای کنترل فرودگاههای آمریکا را بخاطر اضا فمحقوق اعتصاب کرده بودند بلافاصله خراج کرد و اتحادیهی آنها را هم به مرز انحلال رسانید، و دولت وی هنوز از رژیمهای فاشیستی و نظامی دست راستی مثل السالوادور، آرژانتین، شیلی... که در سراسر جهان مشغول قتل عام مردم هستند، شدیدا حمایت میکند تا گمان به یاد ازدست رفتن حقوق اتحادیهای و سرکوب آزادبهدار لهستان افتاد، لاپاپ و تیلان پهل دوم که خود لهستانی است و بنا به طبیعت کلیسا و پاپ بودن دست راستی است، و خود مدتی است کشیشهایی را که در آمریکای لاتین به جنبشهای ضد دیکتاتوری پیوستهاند تحت فشار قرار داده است، نیز صدای اعتراض را بلند کرد و با فرستادن نماینده به لهستان و روشن کردن شمع پشت پنجره در شب کریسمس اظهار "نگرانی" کرد. ولی مخالفتها و اعتراضات بدینجا ختم نمیشود. میتران رئیس جمهور "سوسیالیست" فرانسه و سایر سوسیال دموکراتها احزاب اروپا و کمونیست ("کمونیست اروپایی") مثل احزاب کمونیست اسپانیا و ایتالیا شدیدا به دولت لهستان اعتراض کردند. حتی حزب کمونیست فرانسه که به طرفداری از خط مسکو شهرت دارد دولت لهستان را نصیحت کرد که زور بکار نبرد و اظهار امیدواری کرد که اوضاع بزودی به حالت عادی بازگردد. (۶)

توضیحات

(۱) منابع رسمی دولت لهستان تعداد کشتهشدگان را ۸ نفر اعلام کردهاند (خبرگزاری یونایتد پریس به نقل از ژنرال تادور شاجیلو عضو شورای نظامی - روزنامه کیهان انگلیسی ۱۰ دسامبر ۱۳۶۰) ولی بعنوان مثال خبرگزاری فرانسه به نقل از یک شبنامه "همستگي" شعبه ورشو در تاریخ ۲۲ دسامبر (اول دی) گزارش داد که در حمله نیروهای امنیتی به یک کارخانهی واگن سازی ۱۵ اعتصابی کشتهشدند (کیهان انگلیسی ۲۲ دی). در هر صورت چه در مورد کشتهشدگان و چه در مورد دستگیریها آمار دقیقی به علت سانسور شدید دولت لهستان وجود ندارد. ولی آنچه مسلم است اینست که حتی خبرگزاری ناس از اعتصابات و حتی بمب گذاری در مدخل یک معدن و تهدید به انفجار در صورت حمله دولت توسط هواداران "همستگي" سخن رانده است که این خود اذعان بر وجود مقاومت در سطح قابل توجهی است. مسئله دیگری دستگیری کیرک دبیرکل سابق حزب کمونیست لهستان و چند تن دیگر از مقامات دولتی وینا هستند که در وقت از میهن سفرای لهستان است. طبق معمول سنواتی افراد و نه نظام، گناهکار شناخته شدهاند باید پرسید که مثال کیرک و... کومولگا (که وی نیز چندین سال در زندان بسر برده بود و پس از برسرکار آمدن در ۱۹۵۶ در سال ۱۹۷۰ با بی پرویی بسر گذارند) محصول کدام نظام اجتماعی هستند (آیا غیر از اینست که بنا به ادعای آید تلوویزیونهای بلوک شرق مردم این کشور بیش از نیمی از عمر خود را تحت حکومت "فرد" انقلابیون" و "جاسوسان سیا" و غیره بسر میبرند: بدوچسک و کومولگا، کیرک و تکی و سپس حفیظ اللامین... کی نسبت

به یاروزسکی ها خواهد رسید. (۲) قابل ذکر است که همچنانکه در آن سلسله مقالات بیان کردیم انتظارند اشتیم اراقهی واقعات تاریخی به مذاق استبداد اینستهایی که عمری را به یمن تحریف تاریخ جنبش کارگری به بقای سیاسی خود ادامه دادهاند، خوش بیاید. در این رابطه "راه کارگر" شماره ۷۵ در مقاله خود دربارهی لهستان بدون ذکر نام ما (باصهاراتی که شایستهی خود است) اظهار لطف کرده بود که شبه ترسکیستها و ماژوئیستها (بهترهتر استالین "وارد و گاه سوسیالیستی" حمله میکنند و برای ابتکار از چرچیل هم نقل میکنند. برای اطلاع خوانندگان "راه کارگر" باید بگوئیم که منظور ما بودیم که از خاطرات چرچیل در باره مذاکرات با استالین و همچنین از نامه استالین به چرچیل در باره لهستان نقل کرده بودیم. البته راه کارگر زیرگانه "اعتراف استالین" را زیر سبیلی در کرده بود، و طبق معمول هم یک کلمه در باب اثبات نادرستی مطالب طرح شده ابراز نکرده بود.

(۳) از جمله این خصوصیات که باید در تحلیلی ضروری از نظام حاکم بر شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق در نظر گرفته شوند عبارتند از:

الف - برنامه ریزی بوروکراتیک و از بالا که در نتیجه اجازهی نوآوری و پیشرفت سریع در صنعت را نمیدهد و همواره نیز اهداف غیر واقعی و غلط برای تولید تعیین میکند، بیستولید کالاها و بدون مصرف که از کارخانه به انبار منتقل میشوند و مالک قابل توجهی را تشکیل میدهند. ج - اشتغال کاذب. مثلا گفته میشود ۱۵ میلیون از افراد شاغل در شوروی را میتوان از پروسه تولیدکننده گذاشت و تولید ثابت بماند و یا حتی بالا برود. د - عدم استفاده از ظرفیت کامل صنایع (نقل به مفهوم از "قرن و طایفه غیر منتظره تحلیلی از جوامع نوع شوروی" نوشته سازمان سوسیالیستی مستقل بنام "بیگ فلیچ")

(۴) در صورت ورشکسته شدن لهستان، وامهای این بانکها پرداخت نمیشوند و در نتیجه این بانکها باید وامها را در اصل سرمایهی خود منظور کنند که باعث تقلیل قدرت داد و نام میشود. به گزارش یک روزنامه معتبر اروپایی یعنی ساندی تایمز بانکداران غربی بطور محرمانه چندی قبل خواهان یک حکومت قوی در لهستان شده بودند.

(۵) باید دانست که در کنگرهی "همستگي" در ماه سپتامبر قطعنامه هایی مبنی بر دعوت به انتخابات آزاد برای پارلمان، خواست رفتارند برای انتخاب بین برنامهی خود گردانسی اتحادیه و طرح دولت دعوت از کارگران بلوک شرق و شوروی به تشکیل اتحادیههای مستقل تصویب و منجر به فشار شدید شوروی شد. بود (مجله تایم ۴ ژانویه). کشور "سوسیالیستی" را که پس از ۳۰ سال از نظر خواهی در میان کارگران در باره برنامهی خود و اتحادیهی مستقل آنها به رسد به واقع باید از عجایب روی زمین دانست. بیچاره مارکس!

(۶) و این در حالیست که مطبوعات فرانسه مرتباً نامه هایی از گروه گروه اعضای حزب کمونیست فرانسه در اعتراض به اوضاع لهستان بچاپ میرسانند.